

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 239-266
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.38277.2360

An Illusion and a Paradox in the GCC
A Critical Review on the Book
"*The Gulf States in International Political Economy*"

Hakem Ghasemi*

Abstract

The process of globalization has created many challenges for countries. Small countries, meanwhile, face more challenges, because they are more influential and vulnerable communities. Researchers have published various articles and books about this issue and have tried to explain the situation of countries in the process of globalization, and their actions to resolve the problems and challenges of globalization. With this approach, the author of the book "*The Gulf States in International Political Economy*" has tried to explain the position of the GCC members in the international economy in the era of globalization. This book examines and analyzes the actions of small countries in the Persian Gulf to adapt to globalization and global conditions. In this article, with a critical review of this book, we have tried to examine and introduce its strengths and weaknesses. This study shows that the author of the book has provided valuable analysis of the policies and actions of the small the Persian Gulf countries to improve their position

* Associate Professor, Dept. of Political Sciences, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University (IKIU), Qazvin, Iran, ghasemi@ikiu.ac.ir

Date received: 27/06/2022, Date of acceptance: 26/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

۲۴۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۹، آذر ۱۴۰۱

in the international economy. But, at the same time, the book has numerous formal and content weaknesses, especially its translated text.

Keywords: International Political, International Economy, Globalization, Persian Gulf, GCC.



یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس (بررسی انتقادی کتاب اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس)^۱

حاکم قاسمی*

چکیده

فراگیری فرایند جهانی شدن، با توجه به تاثیرات گسترده آن، چالش‌های زیادی را برای کشورها ایجاد کرده است. در این میان کشورهای کوچک به عنوان جوامعی که از تاثیرپذیری بیشتری برخوردارند، با چالش‌های بیشتری روبرو هستند. پژوهشگران مقالات و کتاب‌های مختلفی را به این موضوع اختصاص داده و سعی کرده اند وضعیت کشورها را در فرایند جهانی شدن، و اقدامات آنها را برای مواجهه با چالش‌های جهانی شدن تبیین نمایند. نویسنده کتاب «اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس» با این رویکرد سعی کرده است جایگاه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را در اقتصاد بین‌الملل در عصر جهانی شدن توضیح دهد. این کتاب اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس را برای انطباق با شرایط جهانی بررسی کرده است. در این مقاله با نگاهی نقادانه به کتاب، سعی شده است نقاط قوت و ضعف آن بررسی شوند. این بررسی نشان می‌دهد که نویسنده کتاب تحلیل‌های ارزشمندی از سیاستها و اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس برای ارتقاء جایگاه خود در اقتصاد بین‌الملل ارائه کرده است، اما در عین حال کتاب بویژه متن ترجمه آن از ضعف‌های شکلی و محتوایی متعددی رنج می‌برد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد سیاسی، اقتصاد بین‌الملل، جهانی شدن، خلیج فارس، شورای همکاری.

* دانشیار علوم سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران،
ghasemi@ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

جهانی شدن فرایند فراگیری است که حوزه های مختلف و انواع بازیگران را در عرصه بین‌المللی تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو می تواند تاثیرات گسترده ای در وضعیت کشورها ایجاد کند. جهانی شدن در عین اینکه تهدیدهایی ایجاد می کند، فرصتهایی را نیز به وجود می آورد. به لحاظ نظری همه کشورها می توانند به صورت برابر از فرصت های جهانی شدن بهره مند شوند، اما در عمل توانایی کشورها برای بهرمندی از این فرصت ها یکسان نیست. کشورهایی که از قدرت و توان تاثیرگذاری بیشتری برخوردارند امکان بیش تری برای بهره مندی از فرصت های جهانی شدن دارند.

بنابر این در چالشهایی که در فرایند جهانی شدن بوجود می آید، کشورهای قدرتمند با استفاده از توان تاثیر گذاری خود می توانند از فرصت هایی که ایجاد می شود استفاده کنند و آسیب پذیری خود را به حداقل کاهش دهند. درحالیکه کشورهای کوچک با توجه به توانایی های محدود خود بیشتر در معرض آسیب قرار می گیرند. اینکه چگونه کشورهای کوچک می توانند در محیط جهانی شده منافع ملی خود را تامین کنند مسئله ای است که موضوع پژوهش های مختلف قرار گرفته است. پژوهشگران با بررسی این موضوع سعی کرده اند وضعیت کشورهای کوچک را در فرایند جهانی شدن، و در مواجهه با چالش های جهانی شدن تبیین نمایند.

در بین منابعی که به این موضوع توجه نشان داده اند، برخی به بررسی وضعیت کشورهای کوچک خلیج فارس پرداخته اند. کتاب قدرتهای کوچک خلیج فارس از جمله این آثار است. این کتاب به ارزیابی سیاست خارجی و امنیتی سه کشور عمان، قطر و امارات متحده عربی بعد از بهار عربی پرداخته و سعی کرده است نشان دهد چگونه این کشورها بقاء خود را تضمین کرده و در افزایش نفوذ منطقه ای موفق عمل کرده اند (المیزانی و ریگی ۱۳۹۹). نویسنده کتاب «اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» نیز با این رویکرد، اقدامات کشورهای کوچک خلیج فارس را برای انطباق با شرایط جهانی شدن بررسی کرده است. نویسنده معتقد است اقدامات این کشورها در مواجهه با جهانی شدن، می تواند الگویی برای سایر کشورها باشد. در این کتاب تحلیل های ارزشمندی درباره تلاش کشورهای شورای همکاری خلیج فارس برای ارتقاء جایگاه خود در نظام جهانی ارائه شده است، اما در عین حال مباحثی مطرح شده است که جای نقد دارد. در این مقاله سعی

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۴۳

شده است کتاب «اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» از نظر شکلی و محتوایی ارزیابی، و نقاط قوت و ضعف آن معرفی گردد.

۲. معرفی کتاب

کتاب «اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» نوشته کریستین کوتز اولریکسن (Kristian Coates Ulrichsen) است که فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سیدجواد صالحی، و مهدی کشاورز آن را ترجمه کرده اند، و توسط نشر مخاطب در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است.

نویسنده کتاب اولریکسن یکی از پژوهشگران برجسته اقتصاد سیاسی بین المللی است که در این کتاب با پرداختن به اقتصاد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کوشیده است جایگاه این کشورها را در اقتصاد سیاسی بین المللی ترسیم کند. دکتر فریبرز ارغوانی پیرسلامی و دکتر جواد صالحی از اعضای هیات علمی دانشگاه شیراز و مهدی کشاورز کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس، کتاب را به فارسی ترجمه کرده اند. مرور رزومه دو مترجم اول کتاب نشان می دهد آنها در مطالعات خود بر مطالعات منطقه‌ای خاورمیانه و خلیج فارس تمرکز دارند و می توان آنها را صاحب نظر حوزه خلیج فارس به‌شمار آورد. مترجم سوم چندان شناخته شده نیست. طبق شناسنامه کتاب، اثر ویراستار ندارد، و صفحه آرایی آن توسط سعیده بابایی صورت گرفته است.

۳. مرور اجمالی محتوای کتاب

نویسنده در مقدمه می نویسد با وجود تغییرات عمیق، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در حال تبدیل شدن به مراکز بی چون و چرای قدرت و نفوذ منطقه ای هستند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۱۴)، و هدف از تدوین کتاب توصیف روندی است که این کشورها برای رسیدن به جایگاه کنونی طی کرده اند.

در بخش اول کتاب زیر عنوان جهانی شدن و خلیج فارس، مطالب به چهار فصل تقسیم شده است. در فصل اول با عنوان خلیج فارس و اقتصاد جهانی، توضیح داده شده است که کشورهای این منطقه در طول قرن ها به عنوان محور تجاری و استراتژیک

عامل ارتباط قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا بوده‌اند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۳۳-۶۰). در فصل دوم با عنوان کشورهای کوچک در سیاست جهانی، نقش تکاملی کشورهای کوچک در سیاست جهان و روابط بین‌الملل بررسی، و توضیح داده شده است که چگونه کشورهای کوچک خلیج فارس با تلاش برای تبدیل شدن به یک برند بین‌المللی در حوزه‌هایی مانند ورزش، تجارت، و توریسم، در روابط بین‌الملل ایفای نقش می‌کنند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۶۴-۹۴). در فصل سوم با عنوان سرمایه‌داری دولتی و فضاهای استراتژیک، توضیح داده شده است که کشورهای کوچک خلیج فارس با ترسیم چشم‌اندازهای ملی می‌کوشند فضاهای استراتژیک و فرصتهای بزرگی برای خود در جهان ایجاد کنند. آنها با سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند انرژیهای تجدیدپذیر، آموزش عالی، و تولیدات پتروشیمی در صدد ایجاد این فرصت‌ها برآمده‌اند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۹۹-۱۲۸). فصل چهارم کتاب چشم‌اندازهای خلیج فارس به توازن مجدد جهانی نام دارد. نویسنده تلاش کشورهای خلیج فارس را تناقض دوگانه همسویی و مقاومت توصیف کرده و توضیح می‌دهد آنها با تلاش برای حضور در ساختارهای جهانی مربوط به امور مالی، امور انرژی و امور تغییرات آب و هوا، مشارکت در امور جهانی را رقم زده‌اند، اما در مقابل تأثیرات فرهنگی و سیاسی این مشارکت مقاومت می‌کنند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۱۳۳-۱۵۶).

بخش دوم کتاب الگوهای در حال تغییر مشارکت جهانی نام دارد. این بخش فصل پنجم تا فصل نهم کتاب را شامل می‌شود. در فصل پنجم با عنوان بین‌المللی شدن امور مالی خلیج فارس، ظهور دولتهای خلیج فارس به عنوان کانونهای بین‌المللی و منطقه‌ای امور مالی رایج و اسلامی بررسی شده است. نویسنده زمینه‌های رشد این کشورها را در مقابل روندهای گسترده‌تر در تغییر قدرت اقتصادی جهانی از غرب به شرق، و از بازار به دولت، بررسی، و مواردی مانند تکامل سیستم کارگزاری، ظهور مراکز مالی خلیج فارس، و رشد امور مالی اسلامی را تحلیل کرده است (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۱۶۳-۱۹۷).

فصل ششم کتاب به معرفی الگوهای در حال تغییر تجارت جهانی، اختصاص یافته و نقش دولتهای خلیج فارس را در الگوهای تجارت و تولید جهانی توضیح داده است. در این فصل تنوع روابط تجاری کشورهای کوچک خلیج فارس بررسی، و تلاش شده است با مطالعه مواردی قابل تعمیم از پیوندهای در حال ظهور، در زمینه امنیت غذایی و انرژی،

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۴۵

ارتباطات جدید و در حال ظهور کشورهای خلیج فارس با شرکای جدید در آسیا و آفریقا، با هدف متنوع سازی روابط، معرفی و توصیف شود (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۲۰۳-۲۲۷).

فصل هفتم با عنوان هواپیمایی جهانی و کشورهای خلیج فارس، به بررسی موضوع هوانوردی جهانی و فرایند رشد خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس پرداخته، و توضیح داده است که چگونه خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس توانسته اند جایگاه بسیار موثری در هوانوردی جهانی کسب کنند و قابلیت مرتبط کردن نقاط مختلف جهان را به دست آورند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۲۳۱-۲۴۹).

فصل هشتم کتاب با عنوان کارگران مهاجر در خلیج فارس، مسئله کارگران مهاجر را عامل ارتباط و پیوند بین کشورهای خلیج فارس با کشورهای مهاجر فرست معرفی کرده است. نویسنده کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را بزرگترین پذیرندگان کارگران مهاجر معرفی کرده و معتقد است کارگران مهاجر شبکه ای از ارتباطات انسانی، اقتصادی، و اجتماعی را بین کشورهای خلیج فارس و کشورهای مهاجر فرست تشکیل می دهند. مهاجرت نیروی کار، و جمعیت خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس را به یک قطب منطقه ای مورد توجه کارگران مهاجر تبدیل کرده است (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۲۵۳-۲۷۵).

فصل نهم کتاب پرسشی است با عنوان توهم امنیت؟. در این فصل محدودیتهای امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بررسی، و در باره اینکه تلاش برای پیوستن به فرایندهای جهانی بتواند موجب امنیت برای این کشورها شود تردید شده است. از نظر نویسنده ادغام شدن در نظام جهانی و قرار گرفتن زیر چتر حمایت کشورهای غربی اعتراض های اجتماعی و مخالفت های نخبگان را بر می انگیزد. از سوی دیگر در فرایند جهانی شدن گروه های غیر دولتی گسترش یافته که تهدیدهای غیر دولتی ضد دولت های عضو شورای همکاری را موجب شده است. مهمتر اینکه این کشورها دارای یک تنگنای ژئوپلیتیک در رقابت با همسایگان قدرتمند خود مانند ایران و عراق هستند. با این محدودیت ها نویسنده درباره اینکه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بتوانند به امنیت پایدار برسند تردید می کند (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۲۸۱-۳۰۱).

نویسنده برای بخش نتیجه گیری کتاب عنوان تناقض خلیج فارس را برگزیده است. نویسنده سعی کرده تناقضی آشکار کند که در تلاش این کشورها برای پیوستن به

فرایندهای جهانی و تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تاثیرگذار، با فقدان توسعه سیاسی در این کشورها وجود دارد. فقدان توسعه سیاسی موجب نارضایتی داخلی می‌گردد و با پیوستن به فرایندهای جهانی تشدید می‌شود. اینکه کشورهای شورای همکاری چگونه می‌توانند بر این تناقض و پیامدهای آن غلبه کنند، سوالی است که پاسخ روشنی به آن داده نمی‌شود (اولریکسن، ۱۳۹۶: ۳۱۲-۳۱۴).

۴. خاستگاه فکری و نظری کتاب

خاستگاه نظری کتاب «اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» رهیافت لیبرالیستی به موضوع جهانی شدن است. در رهیافت لیبرالیستی از روابط بین الملل محیط بین الملل به شکل جامعه‌ای فراگیر و جهانی توصیف می‌شود. در این جامعه بازیگران متنوعی به ایفای نقش می‌پردازند. یکی از این بازیگران دولت‌ها هستند. دولت‌ها به عنوان واحدهای مستقل و دارای حاکمیت، از نظر حقوقی برابرند. آنها همواره در پی تامین امنیت و پاسخگویی به نیازها و تقاضاهای گسترده و متنوع اقتصادی و اجتماعی جامعه خود هستند، و می‌کوشند به حل مسائل و مشکلاتی بپردازند که در نتیجه شکاف بین تقاضاهای گسترده و منابع محدود در عرصه جهانی بوجود می‌آید. از این رو می‌کوشند در عرصه بین المللی در رقابت و همکاری با سایر دولت‌ها منافع خود را تامین نمایند (هالستی ۲۰۱۲).

با این رهیافت جهانی شدن فرایندی طبیعی در عرصه بین المللی است که تغییرات گسترده‌ای در جهت تقویت جامعه جهانی ایجاد می‌کند و «تمامی جوانب روابط اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد» (شولت ۱۳۸۸: ۵۵). از این رو جهان معاصر پس از جنگ سرد بسیار متفاوت از دوران قبل از آن شده است (بیلیس، ۱۳۸۸: ۲۱). مهمترین تغییر این است که با جهانی شدن «جهان از بسیاری جهات به مکانی واحد تبدیل شده است» (شولت ۱۳۸۸: ۶۲). این فرایند جامعه جهانی را به سوی وابستگی متقابل بین دولت‌ها و جوامع سوق می‌دهد و بالاترین حد وابستگی متقابل شکل می‌گیرد (کلارک ۱۳۸۸: ۱۴۰۹). در نتیجه با افزایش وابستگی‌های متقابل، همگرایی بیشتر بین المللی رقم می‌خورد و با کاستن از رقابتها، همکاریهای بین المللی را افزایش می‌دهد. زیرا درحالیکه «در روابط مبتنی بر قدرت قاعده بازی تضاد و برد یکی باخت دیگری است، با شکل‌گیری وابستگی متقابل قاعده بازی منافع مشترک است و برد و باخت همه با هم مطرح می‌شود»

(سیف‌زاده ۱۳۶۸: ۲۲۶). از منظر این رهیافت با فرصتهایی که جهانی شدن ایجاد می‌کند، دولت‌ها و بازیگران بین‌المللی فارغ از تفاوت‌هایی که با هم دارند، می‌توانند با سیاست‌گذاری مناسب در فضایی برابر به رقابت بپردازند و از فرصت‌ها بهره‌برداری نمایند. دولت‌ها برای کاستن از آسیب‌پذیری خود در مواجهه با چالش‌های جهانی شدن، و با هدف ایجاد آمادگی برای ارتقاء جایگاه و تامین منافع جامعه خود، به بازتعریف راهبردهای خود پرداخته، در جهت انطباق با شرایط جهانی شدن تلاش می‌کنند. هریک از کشورها با توجه به مزیت‌های نسبی، نقاط قوت، و فرصت‌هایی که دارند، برای رفع خلاءها و نقاط آسیب‌پذیر خود، و دفع تهدیدها اقدام کرده، و برای ارتقاء توانمندیهای خود با هدف دستیابی به جایگاه مناسب‌تر در جامعه بین‌الملل تلاش می‌کنند. این وضعیت به گونه‌ای توصیف می‌شود که گویا دولت‌ها از فرصتهای برابر و یکسان برخوردارند و می‌توانند فارغ از تفاوت‌ها، به یک اندازه از فرصت‌های جهانی شدن بهره‌مند شوند و در تحولات بین‌المللی به عنوان بازیگران موثر به ایفای نقش بپردازند.

در باره تعامل در عصر جهانی شدن دیدگاه‌های متفاوت و گاه متضادی ارائه شده است. منتقدان لیبرال تا ساختارگراها سعی کرده‌اند توصیف و برداشت خود را از این وضعیت ارائه دهند و بر اساس توصیف خود چگونگی تعامل در عصر جهانی شدن را توضیح دهند (سلیمی، ۱۳۸۴). نقدی که بر رویکرد لیبرالیستی از جهانی شدن وارد می‌شود این است که در تعامل در وضعیت جهانی شده، همه کشورها وضعیت یکسانی ندارند و همه نمی‌توانند به یک اندازه از فرصت‌های جهانی شدن بهره‌مند شوند. به رغم همه تغییراتی که در نتیجه فرایند جهانی شدن ایجاد شده است، همچنان در عرصه بین‌المللی آنچه عامل تعیین‌کننده نقش و تاثیر دولت‌ها در تحولات بین‌المللی است قدرت ملی آنهاست. در عصر جهانی شدن نیز آنچه دولت‌ها را در بهره‌گیری از فرصتهای جهانی شدن برای ایفای نقش بین‌المللی در موقعیت برتر قرار می‌دهد قدرت ملی آنهاست. یعنی کشورهایی که از توانایی و قدرت بیشتری برخوردارند، بهتر و بیشتر می‌توانند از فرصتهای جهانی شدن در جهت پیشبرد اهداف و منافع خود در جهت تاثیرگذاری بر عرصه بین‌المللی استفاده کنند.

واقعیت آن است که دولت‌ها از توانایی و قدرت یکسانی برای بازی در صحنه بین‌المللی و استفاده از فرصت‌ها برخوردار نیستند و از این نظر دولت‌ها را باید به گروه‌ها و دسته‌های مختلف تقسیم کرد. فرانکل (۱۳۶۹: ۴۸) در باره دسته‌بندی دولت‌ها می‌نویسد: «واقع‌بینانه

ترین مدل دسته بندی دولتها مدلی است که از ترکیب قدرت و موقعیت دولتها به وجود آمده است و طیفی از دولتها، ابرقدرتها در یک سو و دولتهای ذره ای در سوی دیگر را دربر می گیرد». کانتوری و اشپیگل (۱۹۷۰: ۱۳-۱۷) نیز بر حسب میزان قدرت و نفوذ به دسته بندی دولتها پرداخته و آنها به هفت دسته تقسیم کرده اند که در یک سو ابرقدرتها و در طرف دیگر کشورهای ذره ای و مستعمرات جای گرفته اند. در این تقسیم بندی ها ابرقدرت ها بیشترین توان بهرمندی از ظرفیتهای بین المللی و تاثیر گذاری بر تحولات را دارند، و دولتهای ذره ای از کمترین امکان برای استفاده از فرصتها و تاثیر گذاری بر تحولات جهانی برخوردارند. از این رو بر اساس توصیفی که از توانایی محدود کشورهای کوچک و ذره ای صورت می گیرد، فراهم شدن امکان استفاده از فرصتهای جهانی شدن برای بدست آوردن ظرفیتی برای تبدیل شدن به بازیگری موثر در تحولات بین المللی برای این گروه از کشورها بعید است. در فضای جهانی شده بین المللی نیز همچنان دولت های بزرگ و توانمند به صورت بازیگران موثر در عرصه بین المللی ایفای نقش می کنند، و دولت های کوچک و ذره ای به رغم تغییراتی که ایجاد می کنند، همچنان به صورت بازیگرانی تابع و پیرو عمل خواهند کرد.

۵. ارزیابی و نقد شکلی کتاب

از نظر شکلی کتاب در قطع مناسب، کاغذ سفید و با کیفیت، و صفحه آرایی مناسب به چاپ رسیده است. در طراحی جلد، طرحی ارائه نشده ولی با رنگ آمیزی جلد با ترکیبی از رنگ آبی و نارنجی طراحی ساده ای صورت گرفته است که جذاب است. در درون متن کتاب هر جا که لازم بوده نویسنده مطالب و اطلاعات را در قالب جداول ارائه کرده است که در جذابیت صفحات و تسهیل دسترسی خواننده به اطلاعات و بررسی مقایسه ای مطالب موثر است.

با وجود این کتاب از نظر شکلی ضعف های متعددی به شرح زیر دارد:

۱.۵ اشکال در معرفی نام نویسنده

اول اینکه نام نویسنده بر روی جلد کریستین کوتزاولریکسن معرفی شده است که لازم است کوتز و اولریکسن با یک فاصله از هم جدا شوند. همینطور در معرفی مترجمین در پشت جلد (به انگلیسی) نیز فاصله بین اسامی رعایت نشده است.

دوم اینکه املائی نام نویسنده یکسان نیست. در روی جلد اولریکسن است، اما در قسمتی از سرشناسه کتاب اولریچسن معرفی شده است. Ch وقتی به فارسی برگردانده شده در یک جا با صدای ک و در جای دیگر با صدای چ بکار رفته است.

۲.۵ اشتباهات تایپی و چاپی

اشتباهات تایپی و چاپی متعددی در اثر مشاهده می شود که همراه با شکل صحیح آنها و با ذکر صفحه و سطر در جدول شماره ۱ منعکس شده اند.

جدول ۱. اشتباهات تایپی و چاپی

ردیف	اشکال	صحیح	صفحه	سطر
۱	Global govern-ance	Global governance	17	زیرنویس شماره ۱
۲	... با ویژگی فقر و نیافتگی شناخته می شدند	... با ویژگی فقر و توسعه نیافتگی شناخته می شدند	۵۰	۵
۳	... امنیت انرژی نیز مستقر بود	... امنیت انرژی نیز مستتر بود	۷۰	۷
۴	...نخبگان قطر از رویدادهای ...	نخبگان قطر از رویدادهایی ...	۸۵	۳
۵	متنوع سازی	متنوع سازی	۱۱۹	آخر
۶	مصرف کنندگان گاز توازن بود	مصرف کنندگان گاز گاز بود	۱۴۴	۴
۷	چگونه کشورهای کشورهای عضو	چگونه کشورهای عضو	۱۴۴	۸
۸	مالیکت	مالکیت	۱۶۸	۹
۹	خود را را	خود را	۱۷۰	آخر
۱۰	شش دولتی	شش دولت	۱۸۵	۲۰
۱۱	سرمایه گذاری دار در	سرمایه گذاری در	۱۸۷	۲۳
۱۲	دولت GCC	دولتهای GCC	۱۸۸	۱۲

۱۳	۱۸۸	تغییر یافته است	تغییر یافت	۱۳
۲۳	۱۹۱	مصری	صری	۱۴
۵	۲۰۹	تجارت	تجارن	۱۵
۹	۲۱۳	هلدینگ قطر	هلدینگ قطر	۱۶
۱۰	۲۱۶	رقبایی	رقبای	۱۷
۴-۳	۲۲۳	سلطان بن سیدالمنصوری	سلطان بین سیدالمنصوری	۱۸
۱۰	۲۳۱	محدودیت مکانی و قانونی	محدودیت مکانی و قانونی	۱۹
۲۲	۲۳۱	طولانی مدت تر	طولانی مدتر	۲۰
آخر	۲۴۴	خطوط هوایی	خطوط هوای	۲۱
۱۴	۲۳۵	رقیبان	رقیبان	۲۲
۱۶	۲۳۵	یافتن خریدار مناسب	یافتن خرید مناسب	۲۳
۲۰	۲۳۵	... بعد از ورود به ابوظبی برای اولین بار نظر	... بعد از ورود به ابوظبی برای اولین نظر	۲۴
۱۶	۲۳۵	بر این نظر بوده که امور بازرگانی	بر این نظر بوده که که امور بازرگانی	۲۵
۱۹	۲۴۰	آل ایتالیا	آلیتالیا	۲۶
۹	۲۴۰	جایگاه هواپیمایی	جایگاه هواپیمای	۲۷
۶	۲۴۰	شیخ حمد بن زاید آل نهیان	شیخ حمد بن زاید آل نهیان	۲۸
۱۴	۲۵۸	مختلف در	مختلفدر	۲۹
۱۹	۲۵۸	گونه ای	گون های	۳۰
۹	۲۶۰	دودمانی	دومانی	۳۱
۱۲	۲۶۱	پی گرفته شد	پی گرفته شد	۳۲
۳	۲۶۹	محروم سازی	محرو سازی	۳۳
۱۱	۲۷۰	عضو	عضور	۳۴

۳.۵ ضعف‌های نگارشی

علاوه بر اشکالات تایپی و چاپی، اشکالات نگارشی متعددی نیز در اثر وجود دارد. عدم تناسب فعل با فاعل، قرار گرفتن دو فعل پشت سر هم، فاصله بین مفعول و علامت مفعول (را)، و ... از جمله این اشکالات است که در سرتاسر اثر وجود دارد. برخی از این اشکالات به شرحی است که در جدول شماره ۲ با ذکر صفحه و سطر آمده است.

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۵۱

جدول ۲. اشکالات نگارشی

ردیف	جمله و عبارت دارای اشکال	اشکال مورد نظر	جمله و عبارت صحیح	صفحه	سطر
	... در هر دو کشور نه محدودیت ارضی و نه جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است، ...	نه قبل از محدودیت و جمعیت زائد است	... در هر دو کشور محدودیت ارضی و جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است، ...	۲۴	۱۹- ۲۱
۱	... دوره مائو را در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد	را زائد	... دوره مائو را در سال ۱۹۷۸ اعلام کرد.	۴۱	۱۸
۲	... برای تحقق به این هدف سرمایه گذاری عظیم در و توسعه سریع محصولات پتروشیمی	حرف اضافه زائد	برای تحقق این هدف سرمایه گذاری عظیم در توسعه سریع محصولات پتروشیمی	۱۰۲	۱۴
۳	نگرانی هایی که در مورد گسترش هسته ای وجودداشت را	حرف ربط زائد	نگرانی هایی که در مورد گسترش هسته ای وجودداشت	۱۰۷	۳
۴	مورد توجه و مدلی را	حذف نایجای فعل	مورد توجه قرار می داد و مدلی را	۱۱۷	آخر
۵	مذاکرات برای بر حل و فصل	حذف نایجای فعل	مورد توجه قرار می داد و مدلی را	۱۱۸	اول
۶	مذاکرات برای بر حل و فصل	حرف اضافه زائد	مذاکرات برای حل و فصل	۱۳۹	۶
۷	... دولتهای خلیج فارس قادر ساخت	استفاده نایجا از را (علامت مفعول)	... دولتهای خلیج فارس را قادر ساخت	۲۰۷	۴
۸	مذاکره کننده GCC	کاربرد فاعل مفرد به جای جمع	مذاکره کنندگان GCC	۲۰۷	۷
۹	توافق نهایی را منظور اروپایی ها	حذف نایجای از	توافق نهایی را از منظر اروپایی ها	۲۰۷	۱۱
۱۰	... در سنگاپور را در بخش هایی ...	را زائد	... در سنگاپور در بخش هایی ...	۲۰۷	۲۲
۱۱	... با دیدار وزیر خارجه چین به ...	حرف اضافه نا مناسب برای دیدار	با سفر وزیر خارجه چین به ...	۲۰۸	۲۱
۱۲	... کشاورزی را در سودان را اعلام کرد	را زائد	... کشاورزی را در سودان اعلام کرد	۲۲۱	۱۰
۱۳	خطوط هوایی از در میان سه خط هوایی	حرف اضافه زائد	خطوط هوایی در میان سه خط هوایی	۲۴۰	۴

۱۲	۲۴۴	... به سرمایه‌گذاری ... به عنوان ... می‌نگرند	کاربرد فعل نامناسب	... به سرمایه‌گذاری ... به عنوان ... می‌بینند	۱۴
۷	۲۵۹	... انواع بسیاری از داده‌ها را که ... ضروری هستند	را بعد فعل و با فاصله از مفعول	... انواع بسیاری از داده‌ها که ... ضروری هستند را	۱۵
۱۲	۲۵۷	نه هماهنگ و نه متمرکز شده اند	عبارت منفی با فعل منفی	نه هماهنگ نه متمرکز نشده اند	۱۶
۹	۲۶۳	مقامهای منصوب شده	عبارت نامناسب	مقامهای کار گذاشته شد	۱۷
اول	۲۶۴	خاطر نشان می‌کنند	واژه زائد	... بیان خاطر نشان می‌کنند	۱۸
۷	۲۶۵	در خلاصه‌ای	واژه زائد	... بیان در خلاصه‌ای	۱۹
۱۸	۲۶۵	به کارگران محلی سود می پردازد	عبارت نامناسب	به کارگران محلی سودمند می‌پردازد	۲۰

۴.۵ اشکالات ویرایشی

علاوه بر اشکالات نگارشی مندرج در جدول شماره ۲، موارد متعددی اشکال ویرایشی نیز در اثر وجود دارد. این موارد به شرح زیر است:

۱. کاربرد نامناسب مخفف کلمات:

مخفف کشورهای GCC برگرفته از سرواژه‌های کلمات Gulf Cooperation Council و به معنای کشورهای شورای همکاری است. وقتی برای اولین بار از این مخفف استفاده می‌شود لازم است معادل آن بطور کامل درج گردد تا بعد از آن وقتی بکار برده می‌شود خواننده بداند منظور نویسنده چیست.

۲. اشکال فاصله بین خطوط کتاب:

فاصله بین خطوط کتاب در بعضی قسمت‌ها بیشتر از قسمت‌های دیگر است. مانند صفحه ۱۲۶ بعد از سطر ۱۰. این وضعیت در فصول مختلف و در قسمت‌های متعدد به چشم می‌خورد.

۳. بکارگیری علائم ویرایشی زائد:

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۵۳

به کار رفتن دو نقطه در پایان جمله که یکی زائد است. مانند: ... ترتیبات حکمرانی عمدتاً مبهمی می شود. صفحه ۵۶ سطر ۱۹. یا جمله ... فاصله زیادی تا شکست مذاکرات نمانده بود. که یک نقطه پایان جمله زائد است. صفحه ۲۰۶ سطر ۱۹.

وجود نقطه چین زائد در جمله . مانند: ... بنیانهای اقتصاد ملی خود در عمل یک بازی برد و باخت وجود دارد. که صحیح جمله این است: ... بنیانهای اقتصاد ملی خود در عمل یک بازی برد و باخت وجود دارد. نقطه چین درون جمله زائد است. صفحه ۲۰۴ سطر ۲۱.

۴. بکار نبردن علائم ویرایشی:

- استفاده نکردن از کاما. مانند ... توسعه انسانی، اجتماعی محیطی و اقتصادی که صحیح آن توسعه انسانی، اجتماعی، محیطی و اقتصادی است. صفحه ۱۰۵ سطر ۱۵.
- استفاده نکردن از خط تیره. مانند ... شیمیایی هندی عمانی که صحیح آن شیمیایی هندی-عمانی است. صفحه ۲۱۶ سطر ۲۰.

۵. نگارش یک عبارت به دو شکل. مانند ممتلكات در صفحه ۱۸۲ سطر آخر و مومتلاکات در صفحه ۱۸۳ سطر ۳.

۶. پاراگراف ناقص: مانند شکسته شدن پاراگراف در وسط جمله در صفحه ۸۲ پاراگراف آخر، صفحه ۱۸۲ سطر ۱۶، و صفحه ۲۰۴ سطر ۱۹.

۵.۵ ضعف در پانوشت‌ها و ارجاعات

ضعف و اشتباهات در پانوشت‌ها و ارجاعات محدود است. اما در چند مورد اشتباهاتی به چشم می خورد. مانند:

۱. در پانوشت‌ها در برخی موارد بعد از شماره پانوشت نقطه قرار گرفته، اما در برخی موارد نقطه قرار ندارد. مانند زیرنویس صفحات ۱۴، ۱۷، ۲۲، ۲۶، الی آخر.

۲. در پانوشت‌ها کلمات لاتین باید با حروف بزرگ شروع شود اما در برخی موارد رعایت نشده است.

۳. شماره زیرنویس‌ها در متن در برخی صفحات همتراز با فونت متن است. در حالیکه باید از فونت کوچکتر استفاده شود. بعلاوه عدد زیر نویس به گونه ای آمده است که گویا بخشی از متن است در حالیکه باید در بالای کلمه و با فونت کوچکتر باشد. مانند مورد صفحه ۱۴.

با توجه به اشکالات شکلی، کتاب به ویرایش ادبی و فنی کامل نیازمند است. شایسته است مترجمان در صورت تصمیم به تجدید چاپ آن، بعد از ویرایش ادبی و فنی برای چاپ مجدد اقدام کنند.

۶. نقد و ارزیابی محتوایی کتاب

محتوای کتاب اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس را از دو نظر می توان مورد ارزیابی قرار داد. یکی از نظر ترجمه و دیگری از نظر محتوای مطالب و دیدگاههای نویسنده.

۱.۶ امتیازات ترجمه کتاب

از نظر ترجمه اولین امتیاز انتخاب متن مناسب است. مطالب و دیدگاههای مطرح شده در این کتاب از دو بعد حائز اهمیت است. یکی اینکه مربوط به منطقه راهبردی خلیج فارس و کشورهای همسایه ایران است و به موضوعاتی پرداخته که برای ایرانیان حائز اهمیت است. نکته دیگر اینکه در کتاب مباحث تکراری مربوط به خلیج فارس کمتر مطرح، و تلاش شده است از منظری نو به سیاستهای کشورهای منطقه پرداخته شود. لذا مطالب کتاب بدیع بوده و برای علاقمندان به مسائل خلیج فارس جالب و مفید است. مترجمان با ترجمه کتاب هم زمینه شناخت تحولات منطقه را در شرایط جدید فراهم ساخته اند، هم امکان اطلاع از دیدگاههای جدید در باره تحولات منطقه را ایجاد کرده اند.

۲.۶ اشکالات ترجمه متن کتاب

با وجود امتیازاتی که ترجمه و انتشار کتاب دارد، ترجمه آن دارای ضعف فراوان است. اولین اشکال ترجمه ای در ترجمه عنوان کتاب است. عنوان انگلیسی کتاب « The Gulf States in International Political Economy » است. این عنوان ترجمه شده است به

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۵۵

«اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» که چندان با محتوای کتاب که می کوشد جایگاه کشورهای خلیج فارس را در اقتصاد جهانی و مشارکت در امور بین المللی به تصویر بکشد تطابق ندارد. در حالیکه عنوان فارسی «کشورهای خلیج فارس در اقتصاد سیاسی بین المللی» هم با عنوان انگلیسی و هم با محتوای کتاب تطابق بیشتری دارد.

ضعف مهم دیگر این است که ترجمه آن فاقد یک دستی است. ترجمه برخی از بخش های کتاب، مانند مقدمه کتاب، فصل دوم، فصل سوم، فصل چهارم، فصل پنجم، فصل نهم، و نتیجه گیری از روانی و رسایی نسبتاً خوبی برخوردار، و نسبتاً کم اشکال است. اما ترجمه برخی از قسمتها مانند فصل اول، فصل ششم، فصل هفتم، و فصل هشتم، چندان روان و رسا نیست و پراشکال است.

وجود اشکالات متعدد در ترجمه موجب شده است تا در مواردی متن برای خواننده نامفهوم گردد. عبارات و جملات نامفهوم زیادی در متن وجود دارد که عمدتاً از ترجمه نامناسب ناشی شده است. در ترجمه برخی عبارات و جملات به فارسی، معادل های نامناسب انتخاب شده است. برخی جملات هم نامفهوم و نارساست. برخی از این موارد در جدول شماره ۳ منعکس شده است.

جدول ۳. اشکال در ترجمه و آوردن معادل های نامناسب

ردیف	جمله و عبارت نامفهوم	صفحه	سطر
۱	حالت ارتجاعی سلطنت (در ترجمه عنوان مقاله لیزا آندرسون Absolutism and the Resilience of Monarchy in the Middle East که معادل استبداد و تاب آوری نظام سلطنت در خاورمیانه برای آن مناسب است)	۳۷	۱۶
۲	نهی مالیات بدون نمایندگی	۵۰	۱۳
۳	... که هدف آن ایجاد ... مصرف کنندگان گاز توازن بود.	۱۴۴	۵-۴
۴	... هتیه پی برد ... شرکت تغییر دهنده پول محلی بود ... اداره می شد.	۱۶۹	آخر
۵	شرکت کشتی رانی همکاری زیم	۱۸۶	۲۰
۶	در واقعیت، برآوردهای ... فاسد شد.	۱۸۷	۵ و ۴
۷	همانطوری که سیاستگذاران ... تا مقاومت،	۱۸۸	۱۳
۸	در دوران پس از جنگ عراق ... تا ۲۰۰۹ بودند.	۱۹۱- ۱۹۲	آخر تا سطر ۲
۹	حمایت خلیج فارس ... شفافیت کمک می کند.	۱۹۲	۲۳-۲۱
۱۰	مجموعه مخالف این پیشرفت ... در بن بست باقی مانده است.	۲۰۳	۱۲-۱۰

۲۱-۲۰	۲۰۷	... برای تقویت نقش دولت شهر به عنوان شهر دروازه با اتصال ... صورت گرفت.	۱۱
۲۴-۲۳	۲۰۷	... رفتار ترجیحی را ... در بخش هایی تضمین کرد ... می شود و محصولات نفتی در GCC را تصفیه می کند.	۱۲
۶	۲۰۹	... تسهیل تغییر ... که تسهیل تبدیل صحیح است	۱۳
۱۰	۲۱۶	Eiu معتقد به این احتمال است. (Eiu این احتمال را نشان می دهد صحیح است)	۱۴
۴	۲۳۱	... به عنوان نمادی از آرزوی طرفدار خلیج فارس در دهه ۱۹۷۰	۱۵
۱۶	۲۳۲	... جریان‌های درآمدی مهم در زمان فشرده‌گی و استحکام هر جایی دیگر ...	۱۶
سطر اول بعد جدول	۲۳۴	... بریتانیایی RAF بریتانیایی فردی بوث ورث ...	۱۷
۷	۲۴۱	رزرو حامل های خلیج فارس (رزرو حامل ها برای رزرو خطوط هوایی استفاده شده که چندان مناسب نیست)	۱۸
۶-۴	۲۵۴	این موضوع نیروی کار بخشی با سلسله مراتب ... خلیج فارس را می سازد	۱۹
آخر	۲۵۴	... و بیشتر آن به مهاجرت به داخل کشور بوده مرتبط می شود.	۲۰
۱۴ و ۹	۲۶۰	زانزیبار (به فارسی زنگبار صحیح است)	۲۱
آخر	۲۶۵	... همانطور که شهروندی محدود ... براساس مبنای بی ثبات قرار داده شده بود.	۲۲
۱۸-۱۶	۳۱۲	سوریه مثال مناسبی از ... متناقض را پیگیری می کنند.	۲۳

یکدست نبودن ترجمه و اشکالات متعدد در متن ترجمه شده، از تعدد مترجمین ناشی شده که با ویرایش ادبی و فنی متن توسط یک ویراستار تا حد زیادی قابل اصلاح و رفع است.

۳.۶ امتیازات محتوایی کتاب

کتاب اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس از نظر محتوایی امتیازهای متعددی دارد. مهم‌ترین آنها عبارتند از: پرداختن به الگوهای رفتاری به جای توصیف وضعیت، معرفی تجربه‌ها و الگوهای رفتاری موفق در بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و موقعیت‌ها، معرفی ساز و کارهایی برای تجزیه و تحلیل رفتار دولتهای کوچک در محیط پرمناقشه و آناشیک در عصر جهانی شدن، تبیین دقیق وضعیت پارادوکسیکال کشورهای خلیج فارس.

نویسنده کتاب تنها به مرور اقدامات کشورها و توصیف آنها قناعت نکرده، بلکه کوشیده است الگوهای رفتاری آنها را معرفی نماید. نویسنده کتاب کوشیده است الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس (نه صرفاً رفتار آنها) را برای گسترش نفوذ بین‌المللی خود و افزایش حضور در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی کند و با معرفی این الگوها، برای سایر کشورها نیز ارائه طریق نماید. بنابر این از صرف توصیف سیاستها فراتر رفته و کوشیده است الگوهای قابل‌تعمیمی را در باره چگونگی ارتقاء جایگاه کشورهای کوچک در عرصه بین‌المللی ارائه نماید.

امتیاز مهم دیگر اینکه در معرفی الگوهای رفتاری به طرح کلی الگوها محدود نمانده، بلکه به صورت مشخص و ملموس الگوهایی را که در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته با ذکر ویژگیها و فرایندها معرفی کرده است. در بخش اول کتاب (فصل اول تا چهارم) با نگاهی به سیر تاریخی که این کشورها در همکاری با جامعه جهانی و مشارکت در امور بین‌المللی طی کرده‌اند، برای ترسیم و توصیف الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در طول تاریخ و استفاده از آنها در شرایط جدید تلاش شده است. در این بخش نویسنده با اشاره به روند جهانی شدن و مواجهه کشورهای خلیج فارس با آثار آن توضیح می‌دهد که این کشورها با چه ساز و کارهایی توانسته‌اند بر بستر فرصت‌های جدیدی که جهانی شدن ایجاد می‌کند، با استفاده از موقعیت و ظرفیتهای خود و ایجاد طرح‌های توسعه ملی به ایفای نقشی جهانی بپردازند تا به حداکثر منافع از جهانی شدن اقتصاد دست یابند.

در معرفی سازوکارهای مورد استفاده، نویسنده از یک سو به سیاست کشورهای خلیج فارس برای تبدیل شدن به برند جهانی در حوزه‌هایی مانند ورزش، تجارت، و جهانگردی اشاره می‌کند و از سوی دیگر به بررسی اقدامات آنها برای جلب مشارکت نهادهای معتبر بین‌المللی و فعالیت با نام و برند آنها در حوزه‌هایی مانند آموزش عالی، انرژی تجدیدپذیر، و تولید پتروشیمی می‌پردازد. بعلاوه اقدامات این کشورها را برای مشارکت در تصمیم‌گیری و تدبیر امور جهانی مانند بحرانهای مالی، مسئله انرژی، و امور آب و هوا و محیط زیست، نمونه‌ای از الگوهای رفتاری کشورهای کوچک خلیج فارس برای پیوند زدن امور داخلی خود با امور جهانی و ارتقاء جایگاه در عصر جهانی شدن می‌داند.

اما در بخش دوم در امتداد الگوهای تاریخی و با توجه به تغییرات و تحولات بین‌المللی و فرایندهای جهانی شدن، الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در دو دهه اخیر معرفی شده‌اند. نویسنده الگوهای رفتاری کشورهای کوچک منطقه خلیج فارس را الگوهای موفق‌تری ارزیابی می‌کند که موجب افزایش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی آنها شده و جایگاه آنها را در عرصه بین‌المللی افزایش داده است. نویسنده این الگوها را تعمیم‌پذیر می‌داند که می‌تواند از سوی دیگر دولت‌های کوچک مورد استفاده قرار گیرد. امتیاز بررسی و معرفی الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس در آن است که در فضای پرمناقشه و آناشیک چهارچوبی برای تجزیه تحلیل رفتار این دولت‌ها بدست می‌دهد، که بدست آوردن شناخت از این الگوها در پیش‌بینی پذیر کردن رفتار این دولت‌ها موثر است. از سوی دیگر تعمیم‌پذیر بودن این الگوها آنچنانکه نویسنده ادعا کرده است می‌تواند سرمشقی برای سایر دولت‌ها قرار گیرد و یاریگر آنها در طی کردن مسیرهای پریپیچ و خم جهان در حال تغییر باشد.

تبیین دقیق وضعیت پارادوکسیکال و تناقض آلود کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، امتیاز دیگر این کتاب به حساب می‌آید. نویسنده کتاب با ارائه شواهد نشان می‌دهد که چگونه کشورهای کوچک عضو شورای همکاری خلیج فارس با تلاش برای مشارکت در امور جهانی، و بازسازی ساختارهای خود می‌کوشند به عنوان کشورهای موثر در عرصه جهانی ایفای نقش کنند. در عین حال این واقعیت را به خوبی تصویر می‌کند که تمام این تلاشها حوزه‌های غیر سیاسی را در بر می‌گیرد و به حوزه‌های سیاسی کشیده نمی‌شود. بنابر این اگر تغییری در این کشورها رخ می‌دهد در حوزه‌های غیرسیاسی است، و از لحاظ سیاسی ساختارهای سنتی و متصلب پادشاهی‌ها دست‌نخورده باقی مانده است. وضعیتی که همچنان حضور این کشورها را در عرصه‌های تدبیر و تصمیم‌گیری جهانی با چالش مواجه می‌سازد.

تناقض دیگری که از نظر نویسنده کشورهای خلیج فارس با آن مواجه هستند وضعیت تناقض آمیز در زمینه تامین امنیت است. از نظر نویسنده تمام تلاشی که کشورهای کوچک خلیج فارس انجام می‌دهند، برای آن است که در شرایط جدید بین‌المللی به امنیت برسند. اقدامات آنها اگر چه تا حدی به افزایش نقش آنها منتهی می‌شود، اما اینکه بتواند آنها را به امنیت برساند با تردید همراه است. زیرا از بعد داخلی با حفظ و تداوم ساختارهای سنتی

همچنان شکافهای سیاسی داخلی در این کشورها تداوم می یابد، و از بعد منطقه ای محدودیتهای ذاتی و ژئوپلیتیکی این کشورها، آنها را از اینکه بتوانند به عنوان قدرت منطقه ای در مقابل رقبای منطقه ای عمل کنند، باز می دارد. لذا همچنان تصور وجود تهدید و احساس ناامنی بالای سر آنها باقی خواهد ماند.

۴.۶ اشکالات محتوایی کتاب

با نگاهی نقادانه کتاب ضعف هایی دارد که هم الگوهای رفتاری مطرح شده را به عنوان الگوهای موفق برای تامین منافع ملی متزلزل می کند، و هم تعمیم پذیر بودن آنها را با تردید مواجه می سازد. بعلاوه موجب تشکیک در استنتاج ها و نتیجه گیری نویسنده در باره نفوذ منطقه ای و بین المللی کشورهای کوچک خلیج فارس می شود. این ضعف های محتوایی به شرح زیر است:

۱- اغراق در باره ارتقاء موقعیت و جایگاه کشورهای کوچک خلیج فارس. اقدامات کشورهای خلیج فارس، موقعیت و وضعیت آنها را نسبت به گذشته بهبود بخشیده است. اما نویسنده کتاب در بیان تاثیرات این تغییرات و بهبود موقعیت کشورهای خلیج فارس در ایفای نقش در امور جهانی و منطقه ای بیش از حد واقعی آن را بزرگ جلوه داده است. برخی از عبارات و تجزیه و تحلیل های اغراق آمیز نویسنده در باره افزایش تاثیر گذاری کشورهای خلیج فارس به گونه ای است که گویا در باره یک کشور و قدرت بزرگ منطقه ای صحبت می شود. در جایی کشورهای خلیج فارس در حال تبدیل شدن به مراکز بی چون و چرای قدرت توصیف شده اند. «کشورهای خلیج فارس بر خلاف تغییرات رخ داده در ساختار و توازن مهم ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک، بطور روز افزونی در حال تبدیل شدن به مراکز بی چون و چرای قدرت و نفوذ منطقه ای هستند» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۳). در جایی دیگر اعطای میزبانی جام جهانی به قطر خیزشی سریع و تکان دهنده به عنوان قدرت منطقه ای با ظرفیت جهانی معرفی شده است. «اعطای حق میزبانی جام جهانی ۲۰۲۲ به قطر در دسامبر سال ۲۰۱۰ حاکی از خیزش سریع و حتی تکان دهنده کشورهای خلیج فارس به عنوان قدرتهای منطقه ای با ظرفیت جهانی است» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۳).

نویسنده گاهی حتی تاثیر محدودیت‌های ژئوپلیتیک این کشورها را فراموش کرده و تاکید می‌کند که این محدودیتها نمی‌تواند این کشورها را در راه رسیدن به سطح بالاتری از قدرت باز دارد.

بررسی دقیق تر قطر و امارات نشان می‌دهد که چگونه در هر دو کشور محدودیت ارضی و جمعیت اندک مانعی برای افزایش قدرت و نفوذ آنها نبوده است، به گونه ای که این دو کشور در برخی سطوح از بسیاری از کشورهای بزرگتر و به لحاظ رفاهی قدرتمند پیشی گرفته اند (اولریکسن ۱۳۹۶: ۲۴).

آنچنان در این تحلیل اغراق شده که در جایی دیگر کشورهای خلیج فارس به عنوان کنشگران با نفوذ در تغییر قدرت جهانی توصیف شده اند. «کشورهای خلیج فارس به عنوان کنشگران با نفوذ در تغییر قدرت جهانی ظهور کرده اند» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۵۵). در بخش دوم کتاب نیز نویسنده «به تحلیل ظهور دولت های خلیج فارس به مثابه کنشگران اصلی در متوازن سازی گسترده ژئواکونومیک جهانی و قدرت سیاسی می پردازد» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۶۴). نویسنده در تحلیل این وضعیت می نویسد: «با گذشت یک دهه و نیم از تغییر هزاره، کشورهای خلیج فارس به قدرتهای منطقه ای با برد بین المللی تبدیل شده اند» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۳۱۲).

۲- تعمیم پذیر معرفی کردن الگوهای رفتاری تعمیم ناپذیر. نویسنده کتاب الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس را تعمیم پذیر معرفی کرده است. به این معنا که دیگر کشورهای کوچک در جهان می‌توانند با تبعیت از این الگوها موقعیت خود را ارتقا بخشند و به قدرتهای موثر در امور منطقه ای و جهانی تبدیل شوند. نویسنده تاکید دارد «بخش دوم کتاب الگوهای در حال تغییر مشارکت کشورهای خلیج فارس در نظام جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهد» (اولریکسن ۱۳۹۶: ۲۵)، و درباره مطالب فصل ششم می‌نویسد:

با مطالعه موردی قابل تعمیم از پیوندهای در حال ظهور امنیت غذایی و انرژی که در حال ایجاد ارتباطات جدید و با دوام بین کشورهای حوزه خلیج فارس و یک سری از شرکای آن در افریقا و آسیا است، به پایان می‌رسد (اولریکسن ۱۳۹۶: ۲۵).

این فصل به ارائه شواهد تجربی نقش بیشتر دولتهای خلیج فارس در الگوهای تجارت و تولید جهانی می‌پردازد. ... این پیوندها به الگوهای در حال تغییر تجارت بین المللی

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۶۱

که مجموعاً در حال شکل بخشی مجدد به روندهای اقتصاد جهانی هستند کمک کرده است (اولریکسن ۱۳۹۶: ۲۰۳).

در فصل هفتم هم به صورت موردی به بررسی خطوط هوایی کشورهای خلیج فارس و نقش آنها در ایجاد تغییرات عمیق برای نقش کشورهای خلیج فارس در اقتصاد جهانی پرداخته است و آن را الگویی معرفی می کند که موجب برانگیختن رقابت خطوط هوایی کشورهای بزرگ با خطوط هوایی خلیج فارس شده است (اولریکسن ۱۳۹۶: ۲۳۱-۲۵۱).

امروزه در عصر ارتباطات و تبادلات بین جوامع، دولتهای مختلف می توانند با تبادل تجربیات، از تجربیات یکدیگر استفاده کنند. اما به نظر می رسد الگوهایی که کشورهای حوزه خلیج فارس بکار گرفته اند، به علت موقعیت و ویژگیهای ژئوپلیتیک، ظرفیتهای داخلی، و بویژه برخورداری از منابع زیرزمینی، تا حد زیادی انحصاری است و قابلیت تعمیم ندارد. کشورهای کوچک جهان، حتی کشورهای کوچک دیگر در خاورمیانه که از موقعیت، ظرفیت، و منابع موجود در کشورهای کوچک خلیج فارس برخوردار نیستند، نمی توانند از الگوی رفتاری این کشورها استفاده کنند. از این رو نمی توان تجربیات آنها را تعمیم پذیر معرفی کرد.

۳- نشان دادن الگوی رشد و توسعه شرکتی به جای الگوی توسعه ملی. نقد مهم دیگر به دیدگاه نویسنده این است که الگوی مورد استفاده کشورهای کوچک خلیج فارس را به عنوان الگوی توسعه ملی مد نظر قرار داده است. رهبران کشورهای کوچک خلیج فارس به عنوان رهبرانی ملی ایفای نقش می کنند، اما بررسی واقعتهای این جوامع و شیوه حکمرانی آنها گویای این واقعیت است که آنها بیشتر به صورت روسای شرکتهای بزرگ عمل می کنند. در الگوی توسعه ملی رهبران ملی تلاش می کنند تا تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و ... در جامعه ایجاد کنند، و سطح زندگی و رفاه را نه تنها برای نسل حاضر بلکه برای نسلهای بعدی تامین و تضمین کنند. اما در رشد و توسعه شرکتی روسای شرکتهای برای کسب و افزایش سود بیشتر برای صاحبان شرکت در شرایطی که در آن به سر می برند تلاش می کنند.

رهبران کشورهای کوچک خلیج فارس به مثابه مالک سرزمین تحت اداره خود عمل می کنند. آنها به جای اینکه کشورهای خود را به عنوان واحدهای ملی هدایت کنند، به مثابه یک رئیس شرکت بزرگ آنها را اداره می کنند. از این رو به جای تلاش برای ایجاد

تغییرات و تحولات بنیادی در حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و ... سعی می کنند با جلب حمایت و یا کسب مشارکت شرکتهای غربی منافع مورد نظر خود را افزایش دهند. این شیوه عمل رهبران خلیج فارس شکل جدیدی از تحت الحمایگی را رقم زده است که می توان آن را الگوی تحت الحمایگی در عصر جهانی شدن نامید. در این الگو به جای آنکه یک کشور به صورت یکپارچه تحت الحمایه شود، اجزاء و بخشهای مختلف کشور تحت حمایت سازمان یا شرکت مشابه خارجی قرار می گیرند. مثلا دانشگاههای محلی تحت حمایت دانشگاههای امریکایی یا اروپایی و با برند آنها فعالیت می کنند. این شیوه عمل ممکن است موجب رونق و رشد شود اما با توسعه ملی فاصله بسیار دارد.

۴- نقد محتوایی دیگر آن است که نویسنده کتاب الگوهای مورد استفاده کشورهای خلیج فارس را الگوهای غیر غربی معرفی می کند که نظم جهانی غرب را به چالش می کشد. می نویسد:

هدف اصلی کتاب توصیف روندی است که کشورهای خلیج فارس طی آن در طول چهار دهه گذشته خودشان را در بستر نظام جهانی قدرت، سیاست، و سیاستگذاری قرار دادند. مسئله اصلی این کتاب میزان حضور فردی بسیار فعالانه - مستقیم - کشورهای حوزه خلیج فارس در نهادهای بین المللی و تدبیر امور جهانی است که صرفا جنبه دیگری را به ساختارهای کمتر تغییر یافته می افزاید و منجر به ائتلافهای نسبتا نوینی از اقتصادهای در حال ظهور می شود که نظم جهانی غرب را به چالش می کشد (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۷).

مقامهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس دوشادوش بسیاری از گفتمانهای غیر غربی دیگر بخشی از جنبه های جهانی شدن اقتصاد را مشتاقانه پذیرفته اند و در مقایسه با پیوست های نظری یا جنبه های هنجاری تدبیر امور جهانی بر ابزارهای عملی مشارکت جهانی متمرکز شدند (اولریکسن ۱۳۹۶: ۱۸).

نویسنده کتاب به گونه ای از کاربرد الگوهای غیر غربی و به چالش کشیدن نظم غربی صحبت می کند که گویا کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به عنوان کشورهای انقلابی و تجدید نظر طلب ضد نظم و الگوی غربی قیام کرده اند. حال آنکه کشورهای خلیج فارس نه تنها الگو و گفتمان غربی مسلط بر جهان در عصر جهانی شدن را پذیرفته اند و در چارچوب آن عمل می کنند، بلکه سعی دارند از رویارویی با نظم جهانی غرب

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۶۳

پرهیز کنند. آنها این نظم را پذیرفته و سعی در انطباق دادن خود با آن دارند. حتی در استفاده از الگوهایمانند بانکداری اسلامی و بدون ربا نیز تلاشی برای مسلط کردن این الگو در جهان ندارند بلکه سعی دارند این الگو را در درون الگو و نظم غربی سازگار و عملی سازند.

۵- تعلیق پایانی و قرار دادن خواننده در ابهام و بلا تکلیفی. نویسنده کتاب تحلیل خود را با یک تعلیق به پایان رسانده است. نویسنده در فصول مختلف سعی کرده است توضیح دهد که چگونه کشورهای کوچک خلیج فارس توانسته اند نفوذ بیشتری پیدا کنند و به عنوان قدرتهای موثر در تحولات منطقه ای و بین المللی ایفای نقش کنند. با آنکه در طول کتاب بر قدرت یابی کشورهای خلیج فارس (گاهی به شکل اغراق آمیز) تاکید می شود، به یک باره در فصل پایانی کتاب تحت عنوان توهم امنیت، و در نتیجه گیری با عنوان تناقض خلیج فارس، چالشهای امنیتی و مشکلات بی ثبات ساز کشورهای خلیج فارس یادآوری می شود. مشکلات و چالشهایی که نه تنها قدرت و نفوذ این کشورها بلکه موجودیت آنها را تهدید، و چشم انداز مبهم و تیره ای از آینده ترسیم می کند. از این رو خواننده کتاب نمی تواند به جمع بندی برسد که آیا واقعا الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس موجب افزایش قدرت و نفوذ آنها شده، یا اینکه آنها همچنان و در آینده با تهدیدهای امنیتی بنیان برافکن مواجه خواهند شد؟ نویسنده با تعلیق پایانی، یافتن جواب این سوال را به خواننده واگذار کرده است.

۷. نتیجه گیری

کتاب «اقتصاد سیاسی بین الملل خلیج فارس» با توجه به فراگیری فرایند جهانی شدن، سعی کرده است جایگاه کشورهای کوچک خلیج فارس را در این فرایند ترسیم کند. نویسنده با توجه به تاثیرات عمیق و گسترده جهانی شدن، و چالشهای آن برای کشورهای کوچک، توضیح داده است که چگونه این کشورها با به کار گیری الگوهای عملی در درون نظم جهانی توانسته اند موقعیت خود را ارتقاء بخشند. آنچه را نویسنده توصیف کرده تایید این واقعیت است که عصر جهانی شدن در عین اینکه تهدیدهایی را برای کشورهای کوچک به همراه دارد، فرصتهایی را نیز ایجاد می کند. از نظر نویسنده کشورهای کوچک می توانند با بهره گیری از این فرصت ها، تهدیدها را دفع و منافع خود را به

حداکثر برسانند. نویسندگان با اشاره به الگوهای رفتاری کشورهای خلیج فارس توضیح داده است که این کشورها توانسته‌اند با توجه به ظرفیت‌های خود و استفاده از فرصت‌های عصر جهانی شدن، نقش و قدرت خود را در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای افزایش دهند. صرف نظر از امتیازات و اشکالات شکلی، کتاب از نظر محتوایی نیز دارای امتیازات و اشکالات قابل توجهی است. امتیاز کتاب این است که سعی کرده است برای کشورهای کوچک الگویی عملی برای اقدام در عصر جهانی شدن در جهت حفظ منافع و ارتقاء موقعیت خود ارائه کند. در این جهت کشورهای کوچک خلیج فارس را نمونه‌هایی موفق معرفی کرده است. اما ضعف محتوایی کتاب آن است که در ارائه دیدگاه خود درباره کشورهای کوچک خلیج فارس و ارتقاء نقش و موقعیت آنها بسیار اغراق کرده است. گاهی این اغراق آنقدر زیاد است که موجب انحراف ذهن از واقعیت‌هایی می‌شود که کشورهای کوچک خلیج فارس، با آن مواجه هستند.

پی‌نوشت

۱. این مقاله بر اساس شیوه‌نامه دوره قبل ارزیابی شده و پذیرش گرفته است و براساس شیوه‌نامه جدید لزوماً مورد قبول نیست.

کتاب‌نامه

- المزاینی، خالد، و جین مارک ریکلی (۱۳۹۹). قدرت‌های کوچک خلیج فارس: تحول در سیاست خارجی و امنیتی کشورهای کوچک خلیج فارس پس از بهار عربی. ترجمه: حمیدرضا خالدی. تهران: بید.
- اولریکسن، کریستین کورتز (۱۳۹۶). اقتصاد سیاسی بین‌الملل خلیج فارس. ترجمه: فریبرز ارغوانی پیرسلامی، سیدجواد صالحی، و مهدی کشاورز. تهران: نشر مخاطب.
- بیلیس، جان، و استیو اسمیت (۱۳۸۸). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها). تهران: ابرار معاصر.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). نظریه‌های گوناگون در باره جهانی شدن. تهران: سمت.
- سیف‌زاده، سید حسین (۱۳۶۸). نظریه‌های مختلف روابط بین‌الملل. تهران: سفیر.

یک توهم و یک تناقض در شورای همکاری خلیج فارس ... (حاکم قاسمی) ۲۶۵

شولت، جن ارت (۱۳۸۸). «جهانی شدن سیاست»، در بیلینس، جان، و استیو اسمیت (۱۳۸۸).
جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه ها، ساختارها و
فرایندها) تهران: ابرار معاصر، صص ۴۷-۹۰.
کلارک، یان (۱۳۸۸). «جهانی شدن و نظم پس از جنگ سرد»، در بیلینس، جان، و استیو اسمیت
(۱۳۸۸). جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین (زمینه تاریخی، نظریه ها،
ساختارها و فرایندها) تهران: ابرار معاصر، صص ۱۳۸۳-۱۴۱۴.
فرانکل، جوزف (۱۳۶۹). روابط بین الملل در جهان متغیر. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی
وزارت امور خارجه.

Cantori, J. Jouis and Steven L. Spigel (1970). *The International Relations of Regions*, New
Jersey: Prentice-Hall, Inc. Englewood Cliffs.

Holsti, Ole R. (2012). "Theories of International Relations", In Edited by Michael J.
Hogan and Thomas G. Paterson, *Explaining the History of American Foreign Relations*,
Cambridge University Press.

Al-mazayni, Khaled, and Jane Mark Riciley (2020). *The Small Powers in the Persian Gulf:
Developments of the foreign and security policy in the small countries of the Persian Gulf
after the Arab Spring*. Translated to Persian: Hamidreza Khaledi. Tehran: Bid Publisher.

Baylis, John, and Steve Smith (2009). *The Globalization of World Politics: an introduction to
International Relations*. Translated to Persian: Abolghasem Rahchamani et al. Tehran:
Abrar Moaser Publisher.

Cantori, J. Jouis and Steven L. Spigel (1970). *The International Relations of Regions*, New
Jersey: Prentice-Hall, Inc. Englewood Cliffs.

Clark, Ian (1388). "Globalization and post-Cold War order", In Edited by Baylis, John, and
Steve Smith (2009). *The Globalization of World Politics: an introduction to International
Relations*. Translated to Persian: Abolghasem Rahchamani et al. Tehran: Abrar Moaser
Publisher.

Frankel, Joseph (1369). *International relations in a changing world*. Tehran: Institute of
Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs.

Holsti, Ole R. (2012). "Theories of International Relations", In Edited by Michael J.
Hogan and Thomas G. Paterson, *Explaining the History of American Foreign Relations*,
Cambridge University Press.

Salimi, Hussein (2005). *Various Theories about Globalization*. Tehran: Samt Publisher.

Schultz, Jan Art (1388). "Globalization of politics", In Edited by Baylis, John, and Steve
Smith (2009). *The Globalization of World Politics: an introduction to International
Relations*. Translated to Persian: Abolghasem Rahchamani et al. Tehran: Abrar Moaser
Publisher.

Seifzadeh, Seyed Hossein (1368). *Various theories of international relations*. Tehran: Safir.

۲۶۶ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۹، آذر ۱۴۰۱

Ulrichsen, Kristian Coates (2017). *The Gulf States in International Political Economy*.
Translated to Persian: Fariborz Arghavani Pirsalami, Seyed Javad Salehi, and Mehdi
Keshavarz. Tehran: Mokhatab Publisher.

